فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام
شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره دهم (بهار ۱۴۰۱)

راه‌های تشویق فرزندان در راستای پیشرفت تحصیلی آن ها

(تاریخ ارسال ۱۴۰۰/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۰۳/۲۰)

سحر سیدآقائی [۱]

چکیده

روش‌های زیادی وجود دارند که والدین به کمک آن می‌توانند باعث موفقیت بیشتر فرزندان خود در مدرسه و در راستای تحصیل آن‌ها شوند. حضور یک فرزند با هوش و درس‌خوان در خانواده که از همان سال‌های اول تحصیل قابل تشخیص است، وظیفه والدین و به خصوص مادر را صد چندان می‌کند. متأسفانه مادران وظیفه خود را در این می‌بینند که بالای سر فرزندشان بایستند، تا او مشق‌هایش را بنویسد، از او درس بپرسند، دیکته بگویند و یا حتی بعضی از کارهای درسی فرزندشان را انجام دهند. هدف و تمرکز همه این فعالیت‌ها- فرزند- است، اما این کارها تا چه زمانی می‌تواند موثر باشد؟ چند درصد از والدین از چنین روش‌هایی به نتایج موثر و ماندگاری می‌رسند؟ مادرانی که علاقه‌مند به پیشرفت مستمر و واقعی فرزندشان هستند، باید جهت قسمتی از فعالیت‌ها را به طرف خود برگردانند. مادران باید پا به پای فرزندان، پیش روند، اما نه در امور درسی، بلکه در رشد فکری و فرهنگی. هدف این مقاله بررسی عوامل موثر بروضعیت تحصیلی دانش‌آموزان و راه‌های تشویق فرزندان در راستای پیشرفت تحصیلی آن‌ها است. برای دست یابی به این هدف، متغیرهای گوناگون مرتبط با عملکرد تحصیلی اعم از متغیرهای فردی وشخصیتی دانش‌آموزان، متغیرهای مربوط به عوامل آموزشی از قبیل نگرش به رفتار معلم، مدیر، مشاور، امکانات آموزشی آموزشگاه و متغیرهای خانوادگی، از قبیل نوع روابط باسرپرست، تعداد خانوار و... را شناسایی و از طریق تدوین فرضیه، ارتباط این متغیرها را با وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان شد.

واژگان کلیدی: پیشرفت تحصیلی، تشویق و تنبیه دانش آموز، افت تحصیلی، والدین، تحصیل، دانش آموز

---

۱ . نویسنده مسئول

مقدمه

اسلام آیین الهی و مقدسی است که برای خانواده اهمیت قایل است. و آن را سنگ بنای مهم حیات اجتماعی می‌شناسد. و بنای آن را بنایی محبوب می‌داند. انسان و حیوان تفاوتهای زیادی دارند. از جمله اینکه حجم مغز انسان نسبت به جثهٔ او از تمام حیوانات بیشتر است. در بحث خانواده و زناشویی، بارزترین تفاوت انسان و حیوان وجود خانواده و شبکهٔ خویشاوندی است. انسان از کودکی می‌آموزد که دنیا را آن طور ببیند که خانواده می‌بیند.(الوانی، ص۳۴) عمدتاً افراد خواسته‌های خود را کم و بیش با معیارهای خانواده می‌بینند. نظام تربیتی شامل تمام شیوه‌هایی است که والدین با کمک یکدیگر و برای تربیت و نگهداری بچه‌ها در پیش می‌گیرند. لذا روابط بین والدین و کودک و نیز روابط خود فرزندان چگونگی جریان رشد فرزند را تأمین می‌کند. امروزه از عمده ترین مشکلات نظام آموزشی هر کشور پدیدهٔ مردودی یا تکرار پایه است. که در برخی از کشورها میزان آن بسیار چشمگیر است. تکرار پایه موضوعی است که علاوه بر خسارات اقتصادی بر دولت و دانش‌آموزان مردودی و خانواده هایشان، تأثیر روان شناختی خاص بر مردودشوندگان می‌گذارد و به تبع آن علاوه بر اتلاف نیروی انسانی و استعدادهای بالقوه، خسارتهای مالی چشم گیری در سطح جامعه بر جای می‌گذارد. با توجه به مهم بودن مسئله، تحقیقات فراوانی از سوی مجامع بین المللی، دولتها و مؤسسات آموزشی و غیره انجام می‌گیرد که نتایج بیشتر تحقیقات نشان می‌دهد که برخی از این علت‌ها با ویژگی‌های دانش‌آموزان و خانواده شان ارتباط دارند. برخی دیگر به آموزشگاه و آموزگار و شرایط یاددهی و یادگیری مربوط می‌شوند و برخی هم در زمینهٔ سیاست اجرایی و نظام آموزشی هستند. (ملکی، ص۳۵)

بخش اول: عوامل ایجاد کنندهٔ افت تحصیلی دانش آموزان و تکرار پایه

بیشتر صاحب نظران علوم تربیتی در یک جمع بندی کلی عوامل ایجاد کنندهٔ افت تحصیلی را به دو طبقه کلی یعنی عوامل داخلی یا درون سازمانی و عوامل خارجی یا بیرون سازمانی تقسیم می‌کنند. که علل داخلی ناظر بر آموزشگاه به (آموزگار، مواد درسی، برنامه درسی،

شرایط یاددهی و یادگیری و...) اشاره می‌کند و علل خارجی به بیرون از آموزشگاه از قبیل خانواده و عوامل خانوادگی (درآمد والدین، شغل والدین، تحصیل والدین و...) محیط و اجتماع و عوامل فردی (هوش و میل و انگیزه، هیجان و عـــواطف و..) اشاره دارد. روش‌های تدریس یکی از عناصر جدایی ناپذیر فرایند آموزش و پرورش است که باید در بررسی و مطالعهٔ افت کمی و کیفی تحصیلی مورد توجه قرار گیرد. تدریس را نباید وسیله‌ای برای انتقال دانش از ذهن معلم یا محتوای کتاب به ذهن دانش آموز تلقی کرد. بلکه مراد از تدریس، فراهم کردن شرایط مناسبی است که دانش آموز تحت آن شرایط به یادگیری بپردازد و روش آموختن اکتشاف و تفکر علمی را فرا گیرد. معلمان به جای انباشتن ذهن شاگردان از اطلاعات و دانش‌هایی که همواره در حال تغییر و تحولند باید به دانش‌آموزان چگونه آموختن را بیاموزند. (شریفی ۱۳۶۹) هدف اساسی نظام آموزش و پرورش آن است که شرایط و امکانات لازم را برای یادگیری و رشد همه جانبهٔ کودکان و دانش‌آموزان فراهم کند. نخستین شرط تحقق این هدف آن است که فضای آموزشی، کتابها، مواد درسی، برنامه و دیگر امکانات آموزشی با نیازهای دانش‌آموزان هماهنگ باشد. افراد نه تنها از نظر ویژگیهای بدنی متفاوتند بلکه از نظر بسیاری از خصایص شخصیتی مانند هوش، استعدادهای مختلف، علایق، نگرش ها، توانائیها، احساسات، نحوهٔ سازگاری با شرایط محیطی و... نیز با هم تفاوت دارند. (همان)

ازجمله علل و عوامل آموزشی می‌توان به:

۱) تراکم برنامه‌های درسی
۲) عدم برنامه ریزی تحصیلی مناسب
۳) عدم وجود معلمان کافی و شایسته
۴) عدم انطباق هدف و محتوی آموزشی با علایق دانش‌آموزان
۵) نامناسب بودن روش‌های آموزشی
۶) ارزیابی‌های نادرست از عملکرد دانش‌آموزان
۷) کمبود فضاهای آموزشی
۸) حفظ طوطی وار مطالب جزیی و کم اهمیت

۹) عدم ارتباط بین مطالب درسی و تجارب واقعی زندگی اشاره کرد. (لیامی، نجاریان، مکوندی ۱۳۷۳)

ازجمله علل و عوامل مؤثر دیگر در یادگیری و در افت تحصیلی می‌توان به عوامل فردی و مشکلات خانوادگی اشاره کرد.[۱] عوامل فردی را می‌توان به دو دستهٔ «روانی» و فیزیولوژیکی تقسیم کرد. و ازجمله علل فردی که در افت تحصیلی مؤثر است، می‌توان به هوش، رابطه معلم و دانش آموز، میل و انگیزه دانش آموز و آشفتگی و مشکلات عاطفی و هیجانی و... اشاره کرد. مشکلات خانوادگی را می‌توان یکی از مهمترین علل افت تحصیلی دانست. عوامل عدیده‌ای در ارتباط با خانواده دانش‌آموزان می‌تواند موجب افت تحصیلی آنان شود که اهم آن به قرار زیر است:

۱) روابط و نظام ارزشی: شاید بتوان گفت مهمترین عامل مؤثر در شکل گیری نگرش دانش آموز نسبت به تحصیل، خانواده است. اینکه والدین با دانش آموز و درس و تحصیل او چگونه برخورد می‌کنند و در الگوهای تربیتی خود برای چه نوع رفتارهایی ارزش قایل می‌شوند، یکی از اجزای اساسی در شکل گیری نگرش دانش آموز نسبت به تحصیل است. در بعضی از خانواده‌ها رسم بر این است که والدین به طور کلامی به کودک توصیه می‌کنند که درس بخواند، اما هیچ گاه عملاً رفتار درس خواندن کودک را تقویت نکرده، بر آن ارزش عملی قایل نمی‌شوند.

۲) اشتغال کودکان: یکی از عوامل منفی خانوادگی که همواره منشاء انحراف توجه کودک از تحصیل می‌گردد، جابجایی وظایف والدین و فرزندان است. به این ترتیب که کودکان در سنی به کار و اشتغال می‌پردازند که معمولاً از آنها انتظار می‌رود در آن مقطع بیشتر به نقشهای مورد انتظار از جمله تحصیل بپردازند. عدم تأمین نیازهای مالی و نیاز نیروی کار کودک از دلایل عمده اشتغال کودکان در سنین پایین است که در این زمینه صرف وقت، نیروی بسیار در اشتغال، باعث افت تحصیلی آنان می‌شود. مسئلهٔ اشتغال کودکان و نقش آن در افت تحصیلی، در

۱ ۱مجله شمیم یا، به قلم عباس رجبی، شهریور ۱۳۸۴، شماره ۳۰ تشویق کودکان به تحصیل و مطالعه، ص۱۵

خانواده‌های طبقه اجتماعی – اقتصادی پایین و به ویژه محیطهای روستایی از اهمیت خاصی برخوردار است.

۳) فقدان والد (یا والدین): عدم وجود هر یک از والدین به دلیل مختلف می‌تواند تأثیر ژرف و ناگواری به تحصیل کودکان داشته باشد و فقدان والد علاوه بر آثار منفی رفتاری و عاطفی کودکان حتی در صورتی که محیط اصلاح شده باشد و کودکان تنها مجبور به انجام برخی وظایف والدین باشند، ممکن است موجب افت تحصیلی گردد. در صورتی که کودک در اثر فقدان والدین (به دلیل مرگ و جدایی هر دو یا هر دلیل دیگری) ضربهٔ روانی دیده باشد افسردگی، اضطراب، بی علاقگی و آشفتگیهای هیجانی به دنبال خواهد داشت که هر یک به نوبهٔ خود می‌تواند عاملی برای افت تحصیلی دانش آموز باشد. این جنبه از تأثیر فقدان والدین یا والد بر افت تحصیلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (ملکی، ص۱۶)

۴) بیسوادی والدین: والدین با سواد علاوه بر نقش کمک رسانی و آموزشی فرزندان خود، الگوی منسجمی از یک فرد باسواد نیز هستند. سواد والدین در تحصیل فرزندان نقش دو جانبه‌ای دارد. از یک سو برای آنها جنبهٔ کمک آموزشی دارد و از سوی دیگر انگیزه‌ای برای درس خواندن آنها می‌شود. اما بی سوادی والدین نیز آسیب دوجانبه‌ای دارد. این قبیل والدین نه تنها از نظر تحصیلی کمکی به فرزندان خود نمی کنند، بلکه یک الگوی تقلیدی نامناسب نیز برای فرزندان خود هستند.

۵) غفلت والدین نسبت به نیازهای کودک: بی توجهی نسبت به نیازهای کودکان در زمرهٔ مخرب ترین عوامل مؤثر در پرورش کودک بطور اعم و در تحصیل کودک بطور اخص است. عدم تأمین نیازهای کودک، چه نیازهای اولیه مثل خوراک و پوشاک و چه نیازهای ثانویه مثل امنیت، تعلق و احترام ضربهٔ شدیدی بر جسم و روح کودک وارد می‌کند. این ضربه می‌تواند زندگی کودک را شدیداً تحت تأثیر قرار دهد و موجب تضعیف عملکرد تحصیلی گردد. گاهی اوقات به دنبال رویدادها و اتفاقاتی که در خانواده به وقوع می‌پیوندد، نیازهای کودکان مورد غفلت قرار می‌گیرد و والدین از تأمین آنها باز می‌مانند. از این رو کودکان این خانواده‌ها به

یکباره کاهشی در عملکرد کلی خود و به خصوص عملکرد تحصیلی نشان می‌دهند.

۶) فقر و محرومیت اقتصادی: یکی از مهمترین عوامل مؤثر در افت تحصیلی دانش‌آموزان، عدم تأمین حداقل نیاز اقتصادی است. محرومیت اقتصادی خانواده از جهات مختلف بر افت تحصیلی کودکان و نوجوانان دانش آموز تأثیر می‌گذارد و رویهم رفته بیشترین درصد دانش‌آموزان ناموفق را کسانی تشکیل می‌دهند که مشاغل پدرانشان در سطح پایین اقتصادی و اجتماعی قرار دارد.

۷) کمبود وسایل کمک آموزشی و رسانه‌های گروهی: امروزه نقش وسایل کمک آموزشی و رسانه‌های گروهی در آموزش و پرورش بسیار حائز اهمیت است و فقدان آن مانع پیشرفت تحصیلی کودک می‌گردد. از آنجا که شاخص‌های پیشرفت تحصیلی به موازات وسعت یافتن امکانات آموزشی و به تبع آن انتظارات اولیای مدرسه و نظام آموزشی، رشد پیدا کرده است، لازم است که توانایی یادگیری کودک نیز در کنار این امکانات همگام با سایر دانش‌آموزان بالاتر رود. در غیر این صورت کودکی که از امکانات کمک آموزشی و رسانه‌های گروهی بهره مند است از هر لحاظ به کودکی که فاقد این امکانات است پیشی می‌گیرد. و کودکی که از این وسایل بی بهره است، در زمره دانش‌آموزان دچار افت تحصیلی می‌گردد. هرچند میزان و کیفیت مطالعه وی تغییر نکرده باشد به عبارت دیگر بدون توجه به قابل دسترس بودن یا نبودن این امکانات، استانداردهای تحصیل بر حسب امکانات موجود یکسان است. (نیکدل، ص۳۳)

۸) مهاجرت و انتقال: جابه‌جایی از محیطی آشنا به محیطی ناآشنا اغلب تعادل عاطفی و هیجانی کودک را برهم می‌زند. مهاجرت متضمن رها کردن برخی علایق، دوستیها، تعلقات و وابستگیهاست. اموری که در دست کشیدن از آنها بسیار فشارآور است و در صورتی که تدابیری جبرانی اندیشیده نشود، ممکن است، منبع آسیب‌های روانی و اجتماعی وسیعی گردد. مهاجرت مستلزم این است که کودک مدرسه‌ای را ترک و در مدرسه‌ای دیگر شروع به تحصیل نماید. علاوه بر این خود

را با سرفصلهای زمان بندی شده درسی مدرسه و مکان جدید هماهنگ کند، لازم است کودک بسیاری از عادات خود را یکباره ترک کند و خیلی سریع مجموعه عادات دیگری برگزیند. این تحول یکباره حائز فشارهای روانی شدیدی است که تحمل آن گاهی اوقات حتی برای یک بزرگسال مشکل است در جریان جنگ تحمیلی و مهاجرت مردم استانهای جنگ زده به سایر نقاط کشور این مسئله بخوبی قابل مشاهده و پیگیری بود و تأثیرات مهم آن بر وضعیت دانش‌آموزان مهاجر آشکار بوده و هست.

۹) عوامل منطقه‌ای و محلی: در مناطق خاص از کشور ممکن است مشکلات منطقه‌ای وجود داشته باشد که در افت تحصیلی اثر بگذارد و ازجمله این عوامل منطقه‌ای که در روند تحصیل دانش‌آموزان تأثیر بسیار زیاد به جا می‌گذارد، مسئله تفاوت زبان محلی با زبان جامعه است. دو زبانه بودن[۱] یکی از عوامل بسیار مهم در افت تحصیلی کودکان است که بی شک معلمان ورزیده و آگاه بیش از هر فرد دیگر با آن آشنایی دارند. (لیامی و دیگران ۱۳۷۳)

بخش دوم: نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی و رشد دانش آموزان

خانواده اولین بذر تکوین رشد فردی و بنای شخصیت را در انسان فراهم می‌سازد. کودک در خانواده زبان می‌آموزد، ارزش‌های اخلاقی را کسب می‌کند، روابط اجتماعی با دیگران را می‌آموزد و اصول و قواعد اخلاقی را یاد می‌گیرد. خانواده به عنوان فیلتری برای عقاید، ارزش‌ها و نگرش‌های مربوط به فرهنگ یک جامعه محسوب می‌شود و آنها را به یک شیوه بسیار اختصاصی و انتخابی به کودک ارائه می‌دهد بی تردید باید گفت که شخصیت، نگرش ها، طبقه اجتماعی، اقتصادی مذهب و خصوصیات، وابستگی‌های نسبی خانوادگی، تحصیل و جنس والدین خانواده بر نحوه ارائه ارزش‌ها و میزان‌های اخلاقی به فرزندان تاثیر خواهد گذاشت.[۱]

---

۱ - Bilingual

۲ مجله شمیم یا، به قلم عباس رجبی، شهریور ۱۳۸۴، شماره ۳۰ تشویق کودکان به تحصیل و مطالعه، ص۲۷

خانواده در تربیت اجتماعی کودک وظایف و نقش‌های متعددی را بر عهده دارد که اهم آنها عبارتند از:

۱-خانواده به عنوان سیستم

۲- خانواده به عنوان معلم و الگو

۳- خانواده به عنوان کانون محبت و امنیت

خانواده را می‌توان به عنوان یک سیستم اجتماعی یا به عنوان بخشی از یک اجتماع بزرگتر در نظر گرفت، خانواده از یک سو با سازمان‌ها و موسسات اجتماعی مانند مدرسه، بازار و اجتماع ارتباط دارد و از سوی دیگر اعضای خانواده را در بر می‌گیرد, بنابر این اجتماع فرد و خانواده به صورت یک سیستم با هم در ارتباطند. اگر خانواده به طور کامل وظایف اساسی خود را به انجام رساند، جامعه حیات خود را با استحکام بیشتری ادامه خواهد داد و سیستم خانوادگی فرد را برای وارد کردن به اجتماع و سیستم اجتماعی آماده می‌سازد. یکی از روان شناسان به نام هارلوک، خانواده را به صورت یک سیستم متعادل پیچیده‌ای تعریف می‌کند که با ورود هر کودک این سیستم پیچیده تر می‌شود. لازم به ذکر است اعضای خانواده سه نفر هستند (پدر، مادر و یک فرزند) در این جا سه نوع تعامل وجود دارد با اضافه شدن یک فرزند دیگر، شش تعامل خواهد آمد و اگر فرزند سومی به خانواده اضافه شود رقم تعامل به ده می‌رسد و با ورود هر فرزند جدید دیگر تعداد تعامل‌ها به همین نحو اضافه می‌شود. بنابر این خانواده یک نهاد انسانی رو به رشد است که حجم و پیچیدگی آن مرتب در حال دگرگونی است. و اعضای خانواده هم به عنوان فرد و هم به عنوان بخشی از واحد خانوادگی عمل می‌کنند. (رضایی، ص۲۳)

بند اول: خانواده به عنوان معلم و الگو

بی تردید باید گفت که خانواده نقش ویژه‌ای در الگو شدن و آموزش دادن رفتارها و میزان‌های اخلاقی و اجتماعی دارا می‌باشد، هر گونه ارتباط و وابستگی والدین به فرزند و یا فرزند به والدین و یا والدین با یکدیگر به عنوان پایه‌ای برای ارتباط اجتماعی بعدی فرد می‌توانند مورد الگو و سرمشق قرار گیرند. کودک سخن گفتن، راه رفتن، آداب معاشرت، آداب غذا خوردن، طرز لباس پوشیدن، نحوه برخوردها، مسئولیت پذیری، مهر و صفا،

پرخاشگری، رفتار کناره جویانه، محبت، شجاعت، عاطفه، تعاون، کمک به دیگران، ظلم و تجاوز و... را از پدر و مادر خود فرا می‌گیرد. اصولاً در روان شناسی کودک، خصوصاً در سال‌های قبل از دبستان رفتار کودک به عنوان آینه‌ای از رفتار والدین به حساب می‌آید. آلبرت باندورا و ریچارد والتزر، دو محقق روان شناسی که به یادگیری کودک از طریق مشاهده و تقلید از والدین اهمیت زیادی می‌دهند در یک تحقیق رفتار والدین و رفتار فرزندان آنها را مورد مقایسه قرار دادند آنها چنین نتیجه گرفتند که: کودکان پرخاشگر دارای والدین پرخاشگر هستند و کودکان گوشه گیر دارای والدین گوشه گیر و منزوی می‌باشند. (کرمی نوری و مرادی, ۱۳۷۲)

بند دوم: خانواده به عنوان کانون محبت و امنیت

محبت و امنیت یک از اساسی ترین ملزومات برای تربیت و رشد کودک می‌باشد. کودکی که خصوصاً در سال‌های اولیه زندگی از محبت خانوادگی و پدر و مادر محروم گردد ممکن است در آینده سازگاری شخصی و اجتماعی او با خطر جدی روبرو شود و از اعتماد به نفس کافی و یا برخوردهای اجتماعی متناسب بهره مند نگردد. کودک نیاز به تامین امنیت را از رحم مادر آموخته است. او بعد از تولد همچنان می‌خواهد که در محیط امن و آرام باشد و اساسی ترین وظیفه خانواده خصوصاً در دوران قبل از دبستان بر آوردن همین نیاز کودک می‌باشد. خانواده حتی این نقش مهم را در دوره‌های دیگر زندگی همچنان حفظ می‌کند. دوستان، معلمان و همبازیهای کودک در طول زندگی ممکن است تغییر کنند ولی والدین، تماس نزدیک خود را با کودک در طول زندگی حفظ می‌کنند و نقش یک نهاد ثابت و پابرجا را برای کودک ایفا می‌کنند. (کرمی نوری و مرادی، ۱۳۷۲) یکی از روان شناسان به نام هورنای که امنیت را شرط اساسی برای زندگی می‌داند معتقد است که والدین از طریق عدم ابراز محبت و دوستی نسبت به کودک، کتک زدن متناوب، از شیر گرفتن زودرس، تبعیض قائل شدن بین فرزندان، تنبیه بیجا، رفتار غیر معقول، استهزا کردن، تحقیر نمودن طرد کردن و... می‌توانند امنیت کودک را خصوصاً در سال‌های قبل از دبستان به خطر بیاندازند، حتی محبت و ابراز دوستی مصنوعی نیز نمی تواند موجبات ایجاد امنیت را برای او فراهم آورد. (کرمی نوری و مرادی، ۱۳۷۲)

بند سوم: موقعیت اجتماعی، اقتصادی و یادگیری

توانایی‌ها ذاتی یادگیرندگان به صورت‌های متعددی تحت تاثیر موقعیت‌های اجتماعی اقتصادی قرار می‌گیرد. انواع سنخ‌های شناختی فرآیندهای رشد تفکر، خود تصوری، روابط گروهی، روابط معلم و شاگرد، فرصت‌های آفرینندگی و کسب تجارب بطور عمیقی تحت تاثیر طبقه اجتماعی هستند که کودک در آن متولد شده و رشد یافته است به این ترتیب طبقه اجتماعی دانش آموزان در سطح دبیرستان‌ها و دانشجویان انجام گرفته است و معلوم شده است علی رغم کوشش‌هایی که برای ترغیب کودکان محروم از آموزش و پرورش برای ورود به دبیرستان و دانشگاه انجام گرفته است، اکثریت دانش آموزان و دانشجویان از خانواده‌های متوسط و متوسط به بالا بوده اند. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که این قبیل نه از نظر اقتصاد تحصیلی، بلکه از نظر توقعات و امکانات مالی والدین یا کودکان محروم از تحصیل تفاوت‌های مشهودی داشتند. به احتمال قوی نتیجه این بررسی‌ها را می‌توان به کشور خودمان تعمیم داد. هر چند، برای حصول اطمینان، لازم است تحقیق مشابهی برای سال‌های اخیر انجام گیرد. در گذشته طبقات پایین اجتماعی کمترین رغبت را برای آموزش و پرورش رسمی داشتند. فرض جامعه نیز بر این بود که آنان در پایه‌های تحصیلی پایین تری ترک تحصیل خواهند کرد از بیشترشان انتظار می‌رفت که مثل پدران و دوستان پدرانشان. کارگران دستی غیر ماهر یا نیمه ماهر با آید. بعلاوه. بیشتر خانواده‌های محروم در محله‌های پرجمعیت و یا در محله‌های دوردست، که بیشتر از خانواده‌ای زندگی می‌کند که مردم آن، اهل علم و ادب هستند و در آنجا علاقه و رغبت به بحث و گفتگو در باره اندیشه‌های نو، اختراعات و اکتشافات جدید وجود دارد، بیشتر از کودکی که در خانه وی در باره کتاب‌ها یا موضوع‌ها و اکتشافات جدیدی صحبت نمی شود آماده شرکت در بحث ها، درک مسائل جدید و احیاناً هماهنگی و سازگاری با آنها خواهد بود.

در هر حال کودکانی که والدین آنها از تحصیلات خوبی برخوردارند، احتمالاً بیشتر از سایر کودکان علاقمندتر خواهند بود که در تحصیلات خود توفیق داشته باشند. نوعی زندگی خانوادگی نیز روی یادگیری کودک موثر است. مثلا کودکی که با خانواده خود به بیشتر جاها مسافرت می‌کند. بیشتر از کودکی که تجارب مسافرتی کم و محدود دارد، به مطالعات

اجتماعی، تاریخ و جغرافیا آمادگی دارد. همچنین مطالعاتی که در مورد روابط میان آموزش و پرورش و درآمدها و نابرابری‌هایی که در خانواده‌ها و در نتیجه، در مدارس به وجود می‌آیند انجام گرفته است نشان می‌دهند که هر قدر سطح درآمدها بالاتر و بالاتر می‌رود نمرات آزمون‌های پیشرفت تحصیلی نیز بالاتر می‌رود یعنی سطح تحصیلات کودکان و نوجوانان با درآمد خانواده آنان رابطه مستقیمی دارد. (تقی پور ظهیر، ۱۳۷۴)

بند چهارم: وضعیت اجتماعی و اقتصادی والدین

سطح در آمد خانواده نوع شغل پدر، میزان تحصیلات مادر عواملی را تشکیل می‌دهند که در تعیین سطح درآمد فرزندان تاثیر می‌گذارد. به هر صورتی که متغیرهای فوق را اندازه گیری کنیم به نظر می‌رسد که موقعیت اجتماعی _ اقتصادی خانواده اثر زیادی در درآمدهای آتی فرزندان داشته باشد. از طرق گوناگون درآمد فرزندان تحت نفوذ موقعیت اجتماعی _ اقتصادی خانواده قرار می‌گیرند. برای مثال خانواده‌هایی که از تحصیلات و امکانات بیشتری برخوردارند، احتمالاً فرزندان خود را به سال‌های بیشتر از تحصیلات عادی مدرسه ترغیب می‌کنند و یا خانواده‌هایی که از درآمد بالاتری برخوردارند قدرت تحمل هزینه‌های سال‌های بیشتر تحصیل فرزندان خود را نیز دارند.

بخش سوم: راه‌های تشویق فرزندان و راهکارهای موفقیت کودکان در راستای پیشرفت تحصیلی آن ها

۱- محیطی مناسب برای درس و انجام تکلیف او ایجاد کنید. محیط مناسب، محیطی آرام است که سروصدای تلویزیون، رادیو، تلفن، گفتگوی افراد، مزاحمت خواهر و برادر و غیره در آن نباشد و بطور کلی، چیزی باعث حواس پرتی کودک نشود. کودک باید عادت کند که مطالعه و تکالیف درسی اش را در محلی خلوت که دارای نور کافی است، انجام دهد. این امر به او کمک می‌کند هنگام مطالعه و نوشتن تکالیف درسی، از تمرکز کافی برخوردار باشد.

۲- تکالیف درسی و مطالعه باید به موقع انجام شود. والدین باید یک زمان ویژه را در نظر بگیرند که کودک فعالیت‌های درسی خود را در آن زمان خاص انجام دهد. کودک باید یاد بگیرد تمام فعالیت‌های دیگر خود از قبیل بازی، تماشای تلویزیون و غیره را در آن زمان

تعطیل کند. لازم است یک برنامه مکتوب برای این کار تهیه شود و زمان آن نیز مشخص گردد، تا وقتی زمان آن فرا می‌رسد، هم والدین و هم کودکان موقعیت را درک کنند، به طوری که کودک به انجام وظیفه اش تشویق شود. اگر در تعیین زمان تکلیف، از خود کودک نظرخواهی شود، بهتر است. توجه داشته باشید که زمان انجام تکلیف کاملاً باید به درس و مطالعه اختصاص داده شود، یعنی اگر مثلاً نوشتن با سرعت انجام شد، باید از باقی وقت برای مطالعه استفاده شود. پس باید دقت کنید، هنگامی که زمان تکلیف فرا می‌رسد، کودک را متوجه کارش کنید و همه برنامه‌های جنبی او را تعطیل کنید. حتی اگر در آن زمان در منزل نیستید، توسط تلفن یا کمک گرفتن از همسایگان و آشنایان، بر این کار نظارت کنید. این قاطعیت و دقت، تأثیر روانی زیادی بر کودک و تشویق او به درس می‌کند. بنابراین در راهکار دوم باید این کارها انجام شود:

ـ زمان بندی ساعت مطالعه به وسیله تهیه برنامه مکتوب؛

ـ تعطیل کردن برنامه‌های مزاحم؛

ـ اختصاص تمام وقت تعیین شده به مطالعه و عدم مبادرت به فعالیت‌های دیگر؛

ـ نظارت والدین بر کار کودک در ساعت مطالعه.

۳- بچه‌ها باید تکالیف درسی را خودشان انجام دهند. گاهی بچه‌ها از سختی تکالیف شکایت دارند و توقع دارند والدین به جای آن‌ها قسمتی از تکالیف را انجام دهند. در این گونه موارد، باید بررسی کنید که آیا واقعاً این طور است یا به خاطر نداشتن اعتماد به نفس کافی از آن سر باز می‌زنند؟ در صورت اول، باید مهارت کافی را به او آموزش دهید، ولی در صورت دوم، احتیاج به تشویق و دلگرمی دارد تا آمادگی لازم را برای انجام تکالیفش به دست آورد. توجه داشته باشید، هرگز نباید تکالیف درسی او را به عهده بگیرید؛ زیرا اعتماد به نفس را در او تضعیف کرده و او را به این وضعیت عادت می‌دهید. حتی در صورتی که احساس کردید احتیاج به کمک دارد، ابتدا از او بخواهید راه حل پیشنهادی اش را ارائه کند، بعد درصدد تصحیح آن برآیید.

۴- گاهی لازم است از کودکتان بخواهید هنگام انجام تکالیف درسی (اعم از مطالعه، نوشتن، نقاشی، کاردستی و غیره) ابتدا از تکلیفی که بیشتر مورد علاقه اش است، شروع کند، تا

آمادگی بیشتری برای اتمام آن داشته باشد؛ زیرا برای شروع در انجام تکلیف درسی و دست کشیدن از بازی و سایر کارهای مورد علاقه کودک، نیاز به انگیزه قوی است که به وسیله آغاز کردن از تکالیف مورد علاقه، می‌توان انگیزه لازم را در او ایجاد کرد و لذت موجود در فعالیت‌های قبل از درس او را تا حدودی جبران نمود.

۵ـ از انگیزه‌های خارجی برای تشویق کردن کودک به درس و مطالعه غفلت نکنید. معمولاً کودکان در سنی نیستند که اهمیت ذاتی درس و مطالعه را درک کنند، به همین جهت استفاده از تشویق برای ایجاد انگیزه در آن ها، بسیاری از مواقع لازم می‌شود. در اینجا، لازم است به طور مختصر، شرایط تشویق کردن کودک به درس را یادآور شویم؛ زیرا بدون در نظر گرفتن این شرایط، نتیجه تشویق معکوس خواهد شد:

ـ تشویق کودک نباید مستلزم صرف وقت و هزینه زیاد باشد، وگرنه به جای اینکه وسیله باشد، هدف می‌شود.

ـ تشویق باید برای کودک جذاب باشد تا بتواند انگیزه کودک را بالا ببرد. به طور مثال، تماشای تلویزیون و فیلم، شرکت در فعالیت‌های خانوادگی، گذراندن وقت با دوستان، رفتن به رستوران همراه با خانواده، شرکت در جشن تولد دوستان و مانند آن، می‌تواند از بهترین تشویق‌ها برای کودک باشد.

ـ تشویق باید به طور مستمر باشد، زیرا معمولاً با یکی دو بار ارائه مشوق، نتیجه‌ای حاصل نمی شود.

باید والدین این آمادگی را داشته باشند که با توجه به رفتارهای فرزندشان، آن‌ها را به طور مستمر و برای چندین روز تشویق کنند. البته برای مستمر شدن تشویق، می‌توان از تحسین هم استفاده کرد. به هر حال، برای این که بتوان انگیزه کودک را در درس و مطالعه افزایش داد، لازم است در تشویق او استمرار نشان دهیم و منتظر نتیجه فوری نباشیم.

ـ پس از این که تشویق‌ها تأثیر گذاشت، لازم است آن‌ها را مرحله به مرحله کاهش دهیم و اجازه ندهیم بچه‌ها نسبت به تشویق شرطی شوند، یعنی طوری شود که اگر تشویق قطع شد، فعالیت آن‌ها هم قطع شود. شما می‌توانید با کاهش دادن تدریجی تشویق، روحیه مسؤولیت پذیری را در آن‌ها به وجود آورید.

ـ تشویق‌ها باید در اختیار والدین و مربی باشد. گاهی بچه‌ها نسبت به یک محرک تشویقی، شرطی می‌شوند و می‌خواهند به وسیله آن، اعمال قدرت کنند. مثلاً می‌گویند: من درس هایم را مطالعه نمی کنم و تکالیفم را انجام نمی دهم، مگر آن که مرا به رستوران ببرید. در این مواقع، باید فوراًبه آن‌ها بفهمانید که آن‌ها اجازه تهدید شما را ندارند. حتی اگر لازم باشد، محدودیت‌های جدی برای آن‌ها در نظر بگیرید تا وضعیت به وجود آمده، تغییر کند. (تلخابی، ص۱۰۰)

بند اول: راهکارهای اصلاحی

کودکان گاهی به دلایلی، در انجام تکالیف درسی شان اهمال می‌کنند و از انجام آن سرباز می‌زنند.

مرحله اول: باید مواظب باشید هیچگاه به بچه‌ها برچسب منفی نزنید. گفتن سخنان زیر و امثال آن به کودک به معنای برچسب زدن است:

ـ تو هیچوقت نمی توانی تکالیفت را درست انجام دهی!

ـ چرا نمی توانی مثل خواهرات یا برادرت یا دوستت یا... باشی!

ـ مشقی که نوشته ای، چرا اینقدر زشت است!

اگر دقت کنید، می‌بینید در هر یک از جملات فوق، نوعی بر چسب زدن و نسبت دادن صفتی منفی است که با نسبت دادن آن به کودک، باور می‌کند که واقعاً دارای عیب و نقصی است و نمی تواند آن را برطرف کند. در نتیجه اعتماد به نفس و انگیزه وی برای جبران ضعف درسی اش از بین می‌رود[1]. بهترین کار در این مواقع، همانطور که در بخش اول هم گفتیم، پشتیبانی مستمر و تشویق دائمی کودک به درس است. باید کوچکترین پیشرفت کودک ضعیف را تشویق کنید، نه این که تحسین و تشویق خود را فقط برای نمره بیست ذخیره کنید. سعی کنید هر شب تکالیف او را ببینید و موارد مثبت را دقیقاً شناسایی و سپس تشویق کنید و موارد منفی را با تذکری کوتاه یادآور شوید. مثلاً در موارد مثبت، بگویید: «من از این که تکالیفت را بدون جر و بحث یا بدون خط خوردگی، و... انجام داده

۱مجله شمیم یا، به قلم عباس رجبی، شهریور ۱۳۸۴، شماره ۳۰ تشویق کودکان به تحصیل و مطالعه، ص۲۷

ای، جداً از تو ممنونم». این دقت و ریزبینی شما به کودک می‌فهماند که چقدر مورد توجه شماست. بهتر است برای این که تحسین بر کودک اثر قوی تر داشته باشد، مادر موفقیت کودک در انجام تکلیف و درس را به پدر بگوید و او هم جدا گانه فرزندش را تشویق و تحسین کند.

مرحله دوم: اگر تشویق و تحسین شما تأثیری نگذاشت و باز هم فرزندتان کم کاری کرد، باید رفتارهای قاطعانه داشته باشید. یعنی بدون این که کمترین ضعفی از خود نشان دهید، از خواسته خود ذره‌ای چشم پوشی نکنید و بلکه درصدد وادار کردن کودک به درس شوید.

رفتارهایی از قبیل التماس کردن به کودک، سؤال‌های بی هدف پرسیدن، مبهم سخن گفتن، تحقیر کردن، خصمانه صحبت کردن و مانند آن، از جمله رفتارهای نادرستی است که روی بچه‌ها تأثیر منفی می‌گذارد و از قاطعیت شما در برابر کودک می‌کاهد. اغلب والدین هنگام برخورد با مشکلات تحصیلی کودکان، با آن‌ها مشاجره و بگومگوی زیادی می‌کنند، در حالی که این کار اوضاع را بدتر می‌کند. گاهی بچه‌ها در پاسخ به اعتراض والدین، بهانه تراشی می‌کنند و مسائل دیگری را مطرح می‌نمایند تا بحث را منحرف کنند و همانطور که گفتیم، آن را به مشاجره بی فایده و اعصاب خورد کن تبدیل کنند. به طور مثال، اعتراض والدین را ناعادلانه می‌دانند، بهانه تماشای تلویزیون می‌آورند و موارد دیگری از این قبیل. (معتمدنژاد، ص۴۱) در این موارد والدین باید آرام و قاطع، فقط یک جمله را تکرار کنند: «من از تو می‌خواهم تکلیف درسی ات را انجام دهی». اگر والدین این جمله را قاطعانه و با آرامش بیان کنند و به بحث‌های دیگری که او پیش کشیده، اصلاً توجهی نکنند، نه تنها وارد مشاجره‌های بی فایده و عصبی کننده نشده اند، بلکه خواسته شان را روشن و قاطع به او منتقل کرده اند. باید این گونه واکنش آن قدر ادامه داده شود تا کودک تسلیم شده، دست از بهانه تراشی بردارد. (تلخابی، ص۷۷)

مرحله سوم: اگر راهکار فوق (مرحله دوم) نیز در بچه تأثیر نگذاشت، باید روش دیگری را انتخاب کنید. در این مرحله باید بر شدت قاطعیت خود بیفزایید. برای این کار، باید بسیار آرام و قاطع به کودک بگویید: «تو مخیّری یکی از دو راه را انتخاب کنی، یا تکالیف درسی ات را در زمان آن تمام می‌کنی، یا باید از تمام امتیازاتت مثل بازی، تماشای تلویزیون،

بیرون رفتن از منزل، تلفن به دوستان، پاسخ دادن به تلفن دوستان و... چشم پوشی کنی». این گونه تهدید کردن، تأثیر زیادی در تغییر رویه کودک دارد. توجه داشته باشید، تهدیدهای بی معنا و مبهم مثل این که: «اگر تکلیفت را انجام ندهی، می‌دانم با تو چکار کنم»، یا «تو را سرجایت می‌نشانم»، تأثیری ندارد. همچنین این نکته را در نظر بگیرید که اگر کودک با داد و فریاد یا گریه کردن یا بی تفاوتی، قصد تهدید شما را داشت، به هیچ وجه تسلیم نشوید، بلکه آرام و محکم، خواسته تان را پیگیری کنید. مطمئناً او پس از مدتی تسلیم می‌شود و روش خود را تغییر می‌دهد. شما با استفاده از این روش، هم او را مستقیماً مجبور به انجام تکلیف نکرده اید و هم با مخیر کردن او بین این دو کار، در نهایت، تصمیم به انجام تکلیف را بر عهده خود او گذاشته اید و به این طریق هم حس مسؤولیت پذیری او را تقویت کرده اید و هم اعتماد به نفس او را افزایش داده اید و هم با کمترین دردسر، مشکل به وجود آمده را برطرف نموده اید[1].

بخش چهارم: نگاهی به سوابق و پیشینه تحقیقاتی و پژوهشی موضوع

بند اول: پیشینه تحقیق

در تحقیقی کرمی و عساکره (۱۳۸۶) با عنوان «شناسایی علل افت تحصیلی دانش آموزان دختر سال اول متوسطه بندر امام خمینی (ره)» که بوسیله‌ی پرسشنامه‌ی محقق ساخته‌ی ۳۰ سؤالی انجام شد با جامعه‌ی آماری ۶۱۰ نفری و نمونه‌ی آماری ۲۹۱ نفری دختران پایه‌ی اول متوسطه‌ی منطقه‌ی بندر امام خمینی (ره) مهمترین علل افت تحصیلی از دیدگاه دانش آموزان عبارت بوده است از:

۱- عامل شخصی و خانوادگی با ۱۶ ماده.

۲- عامل معلم با ۱۰ ماده.

۳- عامل نظام مدرسه‌ای با ۴ ماده.

در این تحقیق مهمترین عوامل ایجاد کننده افت تحصیلی از دیدگاه معلمان عبارت بوده است از ۱- ضعف انگیزه و بی هدفی دانش آموزان، ۲- توجه روزافزون به مد و آرایش، ۳-

---

۱مجله شمیم یا، به قلم عباس رجبی، شهریور ۱۳۸۴، شماره ۳۰ تشویق کودکان به تحصیل و مطالعه، ص۲۷

عدم اعتماد به نفس، ۴- عدم ارتباط صحیح با دبیران و کم توجهی بعضی از دبیران به دانش آموزان پر تلاش.

در تحقیقی دیگر جباری (۱۳۸۵) با عنوان «بررسی علل و عوامل افت تحصیلی درس ریاضی دوره راهنمایی از دیدگاه دانش آموزان و دبیران منطقه بندر امام خمینی» که به وسیله‌ی پرسشنامه‌ی محقق ساخته ۳۴ سؤالی انجام شد با جامعه‌ی آماری ۱۵۵۷ نفری دانش آموز و ۳۰ نفر دبیر و نمونه آماری ۴۰۹ نفری دانش آموزان دوره‌ی راهنمایی منطقه‌ی بندر امام خمینی چنین بدست آوردند که:

عامل افت تحصیلی درس ریاضی از دیدگاه دانش آموزان دو عامل مؤثر ۱- عامل معلمبا ۱۷ ماده، ۲- عامل شیوه‌های مطالعه با ۶ ماده، مهمترین عوامل و ماده‌هایی هستند که از دیدگاه

دانش آموزان باعث افت تحصیلی در درس ریاضی می‌باشند. در این تحقیق مهمترین عوامل ایجاد کننده افت تحصیلی از دیدگاه معلمان عبارت بوده است از عدم ممارست و تمرین کافی دانش آموزان در منزل، کم بودن ساعات تدریس هفتگی، نداشتن علاقه و انگیزه‌ی تحصیلی در دانش آموزان، وجود تک ماده (تبصره) در سالهای قبل در درس ریاضی، عدم وجود وسایل کمک آموزشی سمعی- بصری در مدارس، توجه دانش آموزان به مسائل غیر رسمی در حین تدریس معلم، امکانات و فضای آموزشی نامناسب کلاس‌های درس. (معتمدنژاد،ص۴۴)

پولادی (۱۳۷۵) در پایان نامه‌ی خود با عنوان بررسی عوامل افت تحصیلی در دبیرستان‌های پسرانه شهرستان اهواز که بوسیله‌ی پرسشنامه انجام گرفت با جامعه آماری کلیه‌ی دانش آموزان پسر اول تا چهارم رشته‌های مختلف دبیرستانهای پسرانه شهرستان اهواز در سال تحصیلی ۷۳-۷۲ و نمونه‌ی آماری ۴۰۰ نفر ۱۰ عامل به عنوان عوامل مهم افت تحصیلی در دبیرستانهای اهواز استخراج شد. که در مجموع این ۱۰ عامل به مقدار ۴۷٪ از کل واریانس افت تحصیلی را تعیین می‌کنند عناوین ۱۰ عامل انتخاب شده عبارتند از:

۱- مسائل مربوط به برنامه‌ریزی آموزشی.

۲- مشکلات خانوادگی و سلامتی.

۳- مشکلات محیطی – آموزشگاهی.

۴- مسائل مربوط به رشد.

۵- مسائل اجتماعی- رفتاری.

۶- مسائل مربوط به امتحان.

۷- مسائل مربوط به کتب درسی.

۸- مسائل آموزشی.

۹- مسائل عمومی.

۱۰- اختلافات خانوادگی.

الف: تحقیقات انجام شده در خارج از کشور عبارتند از:

۱-یکی از مهمترین مطالعات در این زمینه توسط کوپر در سال ۱۹۷۱ انجام شده است.یافته‌های کوپر نشان میدهد:۱- فراگیری مهارت تحصیلی بطور شخص میزان خود خود پنداره فرد را افزایش میدهد.

۲- انهایی که مهارتهایی را که قبلا"یادگرفته بودند و وقتشان را در تمرین می‌گذرانند خود پنداره روانی خود را حفظ کرده ولی پیشرفتشان قابل ذکر نبود.

۳-افرادیکه صاحب عملکرد بالایی در یک زمینه تحصیل هستند از خود پنداره بالاتری نسبت به انان که در سطح پایین تری هستند برخوردار باشند.

ب: تحقیق دیگری مربوط به جوزف جی گروبر از دانشگاه کنتاکی است.

به علت طولانی بودن نتایج تحقیق و اینکه نتایج این تحقیق از حوصله این خلاصه خارج است،پیشنهاد می‌شود در این مورد به اصل تحقیق مراجعه شود.

ج: تحقیقات کولین و اسنایدر در سال ۱۹۷۵ بر روی دانش آموزان و با پیشرفت تحصیلی بالا و و دانش آموزان افت تحصیلی پایین حاکی است که:

۱-دانش آموزان با پیشرفت تحصیلی نسبت به دانش اموزان با افت تحصیلی نگرش مثبت تری نسبت به روحیه اشان دارند.

۲-یک ارتباط مثبت بین نگرش خود،نسبت به بدن و شرکت انان در مدارس و کلاس‌های

جبرانی وجود دارد.

۳-تجزیه و تحلیل خود پنداره دانش آموزان با پیشرفت تحصیلی و دانش اموزان با افت تحصیلی و مطالعات مربوط به تصور خود از بدن نشانگر یک ارتباط مثبت بین خود پنداره و عزت نفس و ارتباطی منفی بین اضطراب و ایمنی فرد،خصوصا" در دانش آموزان می‌باشد.

۴-تحقیقات فالکنین نشان میدهد:

۱-نمرات دانش آموزان در تمام حوزه‌های خود پنداره به نحو معنا داری بهتر و بیشتر از نمرات غیر دانش آموزان با پیشرفت تحصیلی دارد.

۲-بین میزان بهره مندی از مهارت درس خواندن و خود پنداره افراد یک ارتباط و پیوستگی به چشم می‌خورد.

۵-مطالعه کداین و همکلاسانش ۱۹۸۹ بر روی چهل دانش آموز افسرده که به تحصیل و درس خواندن پرداختند نشان میدهد که برنامه‌های تمرینی امتحان و و اعتماد به نفس خود پنداره دانش آموزان افسرده را بهبود بخشیده است.

۶-مطالعات انجام شده توسط کوپر نشان میدهد که دانش آموزان با پیشرفت تحصیلی بالا از یک اطمینان اجتماعی بیشتر استواری و ثبات احساسی زیادتری برخوردارند.

علاوه بر تحقیقات خارجی فوق در این تحقیق به ۱۳ تحقیق خارجی دیگر به عنوان پیشینه بطور خلاصه اشاره شده است به علت رعایت اختصار از توضیح ان خوداری کرده.

ب: تحقیقات انجام شده داخلی:-نتایج تحقیقی که در سال ۱۳۷۲ بوسیله بهزاد معتمدی انجام شده است به شرح زیر میباشد:

۱-بین عزت نفس دانش اموزان با پیشرفت تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد.

۲-بین عزت نفس دانش اموزان با پیشرفت تحصیلی و و دانش آموزان با افت تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد.

۳-بین عزت نفس دانش اموزان دختر با پیشرفت تحصیلی و دانش آموزان با افت تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد.

۴-بین عزت نفس دانش اموزان پسر پیشرفت تحصیلی و دختر دانش آموزان با افت تحصیلی تفاوت معنا داری وجود دارد.

۵-بین عزت نفس دانش اموزان پسر و دختر با پیشرفت تحصیلی گروهی و انفرادی تفاوت معناداری وجود ندارد.

۲-نتایج نحقیق غلامحسین یزدان پناه و محمد تقی اقدسی ۱۳۷۱ نشان میدهد:

رابطه معناداری بین خود پنداره دانش اموزان با پیشرفت تحصیلی بالا و و دانش آموزان با افت تحصیلی وجود دارد به این معنا که خود پنداره دانش اموزان مثبت تر است.

۳-نتایج تحقیق بهروز گل محمدی ۱۳۷۱:بیانگر ان است که اختلاف معناداری بین عزت نفس دانش آموزان ابتدایی و غیر ابتدایی وجود دارد.

۴-نتایج تحقیق امیر بلوچ مقدم و محسن سنجانی ۱۳۷۶ نشان میدهد که در کلیه روش‌های تحصیلی دانش اموزان بین دو گروه پسر و و دختر تفاوت معنادار وجود دارد.

۵-نتایج تحقیق حسن انبایی و محمد بادیانی در سال ۱۳۷۵ نشان میدهد:

۱-بین توانایی‌های حرکتی و هوشی دانش اموزان همبستگی وجود دارد.

۲-بین نیروی درونی و هوشی دانش اموزان همبستگی وجود دارد.

۳-بین چابکی و هوشی دانش اموزان همبستگی وجود دارد.

۴-بین سرعت عمل و هوش دانش اموزان رابطه وجود دارد.

نتیجه گیری

همه فرزندان در بعضی زمینه‌ها یادگیری خوبی دارند، اما اگر آنها توسط پدر و مادرشان به درس خواندن تشویق شوند، همین تشویق آنها را کمک می‌کند تا در کل به یادگیرنده‌های خوبی تبدیل شوند. همه پدر و مادرها تلاش می‌کنند که فرزندشان از هر جهت رشد و پرورش یابد و فرزندی سالم، مودب و درس خوان بار بیایند. هیچ یک از والدین نمی توانند توجه‌ای به زندگی تحصیلی فرزندان خود نداشته باشند،چون رفاه آینده آنها تا حد زیادی به تحصیل شان بستگی خواهد داشت. مشق و تکلیف مدرسه برای بعضی از فرزندان خوشایند نیست به همین خاطر باید والدین کودک خود را تشویق به انجام تکلیف مدرسه کنند و زمان مشخصی را برای انجام این تکالیف در نظر بگیرند. به آنها جایزه بدهند و اگر لازم است از انگیزه‌های قوی تر و جوایز ارزنده تر استفاده کنند. تلاش کودک را تحسین کنید. تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان از اهمیت شایانی برخوردار است چرا که نهایتاً بر

پیشرفت و توسعه هر جامعه‌ای تأثیر می‌گذارد. لازم به ذکر است والدین برای اینکه فرزند کلاس اول یا دومی خود را تشویق به درس خواندن کنند، بهتر است هنگام درس خواندن در کنار او بنشینند و موبایل و لپ تاپ خود را کنار بگذارند تا انگیزه درس خواندن را در او ایجاد کنند. مثلا آنها هم یک کتاب مطالعه کنند یا کارهای مربوط به شغلشان را انجام دهند. البته والدین باید به این نکته توجه داشته باشند اوقاتی را که به درس شان اختصاص می‌دهند و در کنار او هستند باید، آرام باشند و لبخند بزنند و در هر شرایطی صدایشان را بلند نکنند و به او برچسب‌هایی مانند احمق و... ندهند و با خوش رفتاری به تمرین با او بپردازند. در حقیقت بهترین راه برای تشویق بچه‌ها به درس خواندن در خانه این است که مادر خودش برای فرزندش الگو باشد. وقتی مادر یا پدر کتابی میخوانند، کودک هم به انجام این کار تشویق می‌شود. معمولا وقتی مادر یا پدری مشغول یاد گرفتن مطلب یا مهارت جدیدی است، در مورد آن تحقیق می‌کند و برای یادگیری آن وقت می‌گذارد. ضمناً یکی از مهمترین کارهایی که والدین در مورد درس فرزند خود باید انجام دهند این است که برای نمره و درس به او استرس وارد نکنند.درست است که نمره خوب اهمیت دارد اما والدین نباید بیش از حد خودشان را درگیر آن کنند. بهتر است که تمرکز فرزند را بیشتر روی یادگیری قرار دهید. از کودک تان بخواهید که در مورد فعالیت‌هایی که در مدرسه انجام شده است، یک توضیح خلاصه به شما بدهد و ببینید که چه چیزی در مدرسه یاد گرفته است. در پایان این مقاله باید اذعان داشت والدین باید کودک دانش آموز خود را تشویق کنند تا نظر خود را در مورد آنچه در تحصیل او می‌گذرد؛ بیان کند. فضایی باز ایجاد کنند که در آن احساس راحتی کند و ابراز علاقه، نفرت یا نگرانی کند. هنگامی که او نظر خود را به اشتراک گذاشت، مطمئن باشند که احساسات او را تأیید می‌کنند؛ حتی اگر مخالف باشند. وقتی کودکان احساس می‌کنند نظرشان مهم نیست یا گیر افتاده اند، احتمالاً از روند یادگیری جدا می‌شوند. اگر کودک تکالیفش را انجام نداد؛ والدین او را سرزنش نکنند و نترسانند و اجازه دهند عواقب کارشان را متحمل شوند تا بدانند خود مسؤول انجام تکالیف و درس خواندنشان هستند. تنها زمان انجام تکالیف و یا درس خواندن کودک خود را حمایت کنند و به کارهای او نظارت داشته باشند اما هیچگاه آنها کارهایش را انجام ندهند.

منابع و مآخذ

- آذری، غلامرضا (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای براصول و مبانی ارتباطات(انسانی ـ جمعی)، تهران: اداره کل آموزش سازمان صدا وسیمای جمهوری اسلامی ایران.
- اسپالدینگ، چریل ال، (۱۳۷۹)، «رابطه‌ی معلم و دانش آموزان»، مترجم:محمدرضا نایینیان، ماهنامه رشد معلم.
- اسکیدمور، ویلیام، (۱۳۷۲)، تفکر نظری در جامعه شناسی، ترجمه علی محمد حاضری، سعید سبزیان، احمد رجب زاده، محمد مقدس و علی هاشمی گیلانی، تهران: نشر سفیر.
- بارزگان، زهرا. (۱۳۷۹)، «نگاهی دیگر به مساله افت تحصیلی و شیوه‌های موثر مقابله با آن در برخی از کشورهای صنعتی»، فصلنامه روان شناسی و علوم تربیتی پیوند، شماره ۲۹:۲۵۵-۴۱.
- برکو، ری. ام؛ آندرو دی و لوین؛ دارلین آر. (۱۳۷۸)، مدیریت ارتباطات، ترجمه سید محمد اعرابی و داوود ایزدی، چاپ اول، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۷۵)، «عوامل موثر در افت تحصیلی دانش آموزان»، نشریه تربیت، شماره ۶:۱۰۸- ۱۰.
- ترابی، م. و دیگران،(۱۳۸۸). «بررسی رابطه بین مهارت‌های ارتباطی مدیران و کارایی آن‌ها از دیدگاه مدیران مدارس متوسطه‌ی شهر شیراز». مجله علوم تربیتی دانشگاه شهیدچمران اهواز؛ دوره پنجم، ۱۶(۲):۵۹-۷۸.
- تلخابی علیشاه، علی رضا؛ عباسی، رسول؛ لشکری، کبری؛ تلخابی علیشاه، غلامرضا. (۱۳۸۹)، «بررسی مهارتهای ارتباطی در رفتار کلاسی معلمان و رابطه‌ی آن با درصد قبولی دانش آموزان دبیرستان‌های شهر تهران»،فصلنامه اندیشه‌های نوین علوم تربیتی، سال پنجم، شماره‌ی سوم:۲۵-۴۳.
- جعفرپور، زینب. (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه مهارتهای ارتباطی و کمال گرایی با سازگاری تحصیلی دانشجویان دختر دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء و علامه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، استاد راهنما، زندی پور.

- خلخالی، مرتضی؛ یغما، عادل؛ هرمزی، محمود. (۱۳۶۱)، فن معلمی (فنون و مهارت‌های تدریس)، انتشارات دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی و تألیف.
- درانی، کمال؛ صابری، قاسم. (۱۳۹۰)، «رویکرد جامعه شناسی به مهارتهای ارتباطی معلمان روستایی در منطقه ارشق»، توسعه روستایی، دوره سوم، شماره۸۵:۱-۱۰۶.
- داریاپور، زهرا (۱۳۷۰)، «بررسی عوامل موثر در افت تحصیلی دانش آموزان دوره راهنمایی (دختران) پایه سوم منطقه ۱۶ آموزش و پرورش تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- سهرابی، ابوالفضل؛، جندقی، غلامرضا. (۱۳۸۴)، «بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با افت تحصیلی دانش آموزان متوسط با تعیین سهم عوامل»، فصلنامه فرهنگ مدیریت، سال سوم، شماره ۸:۱۴۷-۱۸۰
- سورین، و. تانکارد، ج. (۱۳۸۱) نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران:دانشگاه تهران، چاپ اول.
- شاهورانی، احمد؛ تلخابی علیشاه، غلامرضا؛ تلخابی علیشاه، علیرضا. (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه‌ی ویژگی‌های ارتباطات اثر بخش معلم ـ دانش آموز با یادگیری ریاضی»، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد واحد گرمسار، سال سوم، شماره۵۱:۳-۶۷.
- شعبانی، حسن. (۱۳۹۰)، مهارتهای آموزشی و پرورشی روش‌ها و فنون تدریس، چاپ بیست و چهارم، تهران:انتشارات سمت.
- صابری، قاسم. (۱۳۸۷)، «بررسی رابطه مهارتهای ارتباطی آموزشیاران با پیشرفت تحصیلی سواد آموزان دوره پنجم بزرگسالان شهر تهران در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علون تربیتی دانشگاه تهران.
- مرتضوی، سعید؛ مهربان، حمید. (۱۳۸۳)، «بررسی رابطه‌ی بین مهارتهای ارتباطی مدیران و تعهد سازمانی دبیران»، فصلنامه پژوهشنامه‌ی علوم انسانی و اجتماعی، سال چهارم، شماره شانزدهم:۱۲۳-۱۴۴.
- معتمدنژاد، کاظم. (۱۳۸۵)، وسایل ارتباط جمعی، چاپ پنجم تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

- ملکی، حسن ۱۳۷۹- برنامه‌ریزی درسی- مشهد: انتشارات پیام اندیشه
- نیکدل، حسن. (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه بین مهارتهای ارتباطی معلمان با وضعیت تحصیلی دانش آموزان مدارس ابتدایی منطقه ۱۸ تهران سال تحصیلی ۹۰-۸۹، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ببرنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، استاد راهنما علاءالدین اعتماد اهری.